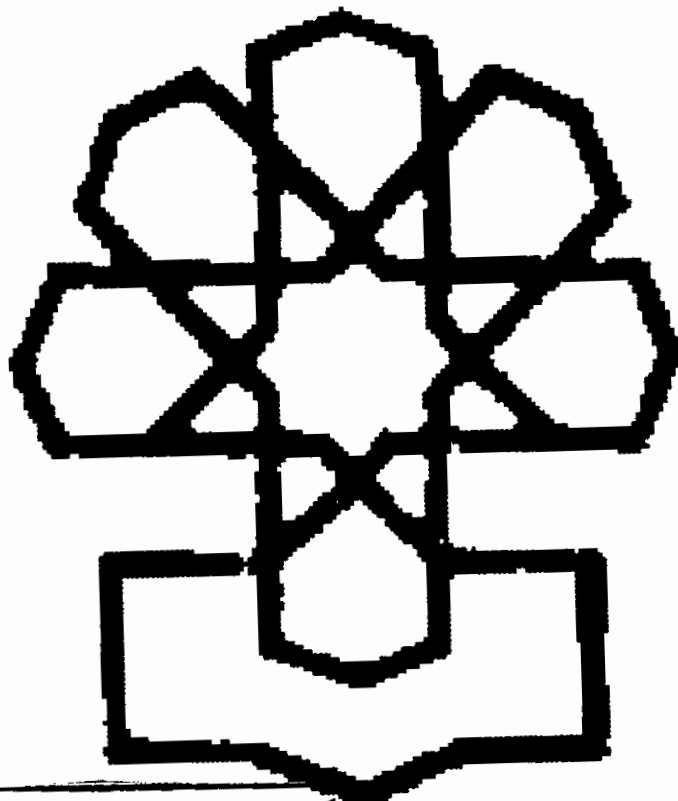


شاخص‌هایی برای ارزیابی عملکرد بانک‌ها



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی مارابری
شماره: ۱۴۷۹۸
تاریخ: ۱۳۸۱/۲/۱۸

کار: دفتر مطالعات برنامه و بودجه

معاونت پژوهشی

اردیبهشت ۱۳۸۱

کد گزارش: ۲۴۰۵۶۷۵

در زبان بانکداران و اقتصاددانان، سیستم بانکی در یک مجموعه اقتصاد به سیستم قلب و عروق در بدن تشبیه می‌شود که در جای خود این شباهت وجود دارد. بی‌شک این تشبیه اهمیت سیستم بانکی را برای حیات اقتصادی یک کشور تبیین می‌نماید.

جمع‌آوری، جلب و جذب انواع سپرده‌ها و تخصیص آن برای تأمین نیازهای مالی فعالیت‌های گوناگون اقتصادی از مهم‌ترین عملیات بانکی به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، بانک‌ها واسطه بین سپرده‌گذاران و متقاضیان تسهیلات هستند و با استفاده از منابع خود و سپرده‌های مردم مبادرت به اعطای تسهیلات مورد نیاز متقاضیان می‌کنند. لذا سیستم بانکی از یک طرف می‌بایست منافع سپرده‌گذاران را تأمین نماید و از طرف دیگر برای بقاء و دوام خویش با ارائه خدمات بانکی و اعطای تسهیلات به دریافت سود معقول مبادرت نماید.

یقیناً شناخت نقاط قوت و ضعف هر بنگاه اقتصادی اولین گام در راستای برنامه‌ریزی و هدایت در جهت رشد و شکوفایی آن بنگاه خواهد بود. بررسی روند گذشته و عملکرد فعلی بانک‌ها براساس شاخص‌ها می‌تواند تا حدود زیادی نقاط قوت و ضعف آنها را مشخص نماید. بر همین اساس در ادامه شاخص‌هایی برای ارزیابی عملکرد بانک‌ها ارائه می‌گردد که به وسیله آنها می‌توان عملکرد یک بانک را ارزیابی نمود و از طرفی دیگر بانک‌ها را با هم مقایسه کرد.

۱- کفایت سرمایه

سرمایه بانک تکیه‌گاهی است که به بانک اجازه می‌دهد، علی‌رغم وجود مشکلات داخلی یا معضلات اقتصادی توانایی بازپرداخت بدهی را داشته باشد و به عملیات خود ادامه دهد. از آنجا که بانک‌ها به منظور افزایش سرمایه پایه خود باید تابع قوانین بازار باشند، ناگزیر باید انضباط مالی داشته باشند. اگر سطح سرمایه به صورت درصدی از کل دارایی‌های یک بانک بیش از حد پایین باشد، چنانچه روند نامطلوبی پیش بیاید بانک را با خطرهای ناهماهنگ مواجه خواهد ساخت. از طرف دیگر سطح سرمایه پایه بسیار بالا نیز نسبت بدهی به سرمایه بانک را کاهش خواهد داد. از این‌رو بانک ناچار می‌شود به منظور کسب سود مناسب برای سرمایه‌گذارانش، تفاوت نرخ بهره وام و سپرده و کارمزدها را افزایش دهد. بانک‌ها عموماً ترجیح می‌دهند برای به حداکثر رسانیدن بازده سرمایه، سرمایه کمتری داشته باشند. در حالی که قانون‌گذاران ترجیح می‌دهند برای حفظ ثبات بازار، سرمایه بانک در سطح بالاتری باشد. کمیته‌بان برای مقررات بانکی و رویه‌های نظارتی نسبت سرمایه به دارایی‌های ریسک‌دار را ۸ درصد توصیه نموده است.

به بیان ساده سرمایه بانک، آن چیزی است که پس از کسر بدهی‌ها از دارایی‌های بانک کنار گذاشته می‌شود. واضح است که بخش عمده تحلیل یک مؤسسه بانکی، ارزیابی کیفیت دارایی‌ها و کفایت ذخایر است. چرا که ارزش‌گذاری بیش از حد دارایی‌ها یا ناکافی بودن ذخیره‌های پوشش دهنده زیان ناشی از

وام‌های بلاوصول، سرمایه را بیش از حد نشان خواهد داد.

$$\text{نسبت کفایت سرمایه} = \frac{\text{سرمایه تعدیل شده}}{\text{مجموع دارایی‌های مخاطرآمیز (ریسکی)}} \times 100$$

۲- نسبت ضریب نقدینگی

لازمه جلب اعتماد عمومی نسبت به نظام بانکی این است که سپرده‌گذاران مطمئن باشند که هر وقت به وجوه خود نیاز داشته باشند، می‌توانند به آن دسترسی یابند. با این باور آنها اطمینان خواهند یافت با سپرده‌گذاری در بانک هیچ خطری متوجه آنان نیست. از این رو سپرده‌گذاران همچون قانون‌گذاران، مدیران بانک و تحلیل‌گران مستقل، بحق، علاقه‌مندند از وضعیت نقدینگی بانک اطلاع داشته باشند.

یک روش مفید، ارزیابی نقدینگی بانک از زاویه سررسید دارایی‌ها و بدهی‌ها می‌باشد. بدین ترتیب که گروه‌های اصلی، دارایی و بدهی بانک براساس مدت زمان باقی‌مانده تا سررسید آنها تقسیم‌بندی می‌شود. این روش مستلزم گردآوری اطلاعات اساسی بیشتری است ولی اطلاعات مفیدتری از وضعیت نقدینگی بانک و محدودیت‌های نقدینگی در آینده ارائه می‌دهد. به طور کلی، نگه‌داری و تجزیه و تحلیل سررسیدها یک امر لازم در مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها است و این امر در حال حاضر در بانک‌هایی با مدیریت مناسب در نظام‌های مالی پیشرفته مراعات می‌گردد.

$$\text{ضریب نقدینگی} = \frac{\text{مجموع دارایی‌های نقدی به شرح جدول ذیل}}{\text{مجموع بدهی‌های نقدی به شرح جدول ذیل}}$$

بدهی‌ها			دارایی‌ها		
مبلغ	شرح‌ها	ردیف	مبلغ	شرح	ردیف
	۵۰٪ مانده جاری بانک‌ها (حساب آنها)	۱		۱۰۰٪ موجودی صندوق	۱
	۵۰٪ مانده قرض الحسنه جاری	۲		۱۰۰٪ وجود در راه	۲
	۵۰٪ مانده حساب‌های جاری دولتی	۳		۱۰۰٪ اسکناس و نقود بی‌کانه	۳
	۲۵٪ مانده حساب‌های قرض الحسنه پس‌انداز	۴		۱۰۰٪ حساب جاری مانده بانک‌ها	۴
	۵۰٪ مانده سپرده سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت	۵		۸۰٪ اقساط تسهیلات (قابل وصول در دو هفته)	۵
	۵۰٪ مانده هم‌ارز ریالی کلیه سپرده‌های ارزی	۶		۸۰٪ اقساط وام‌ها (قابل وصول در ۱ هفته)	۶
	۱۰۰٪ بستانکاران موقت	۷		۸۰٪ چک‌های وصولی محلی قابل وصول در ۱ هفته	۷
	۱۰۰٪ بستانکاران داخلی	۸		مجموع دارایی‌ها	
	۱۰۰٪ حساب مشترک مشارکت مدنی	۹			
	۱۰۰٪ حساب مشترک مشارکت مدنی	۱۰		۱۰۰٪ سپرده نقدی ضمانت نامه‌ها	۱۰
	۱۰۰٪ حساب مشترک مشارکت مدنی	۱۱		۱۰۰٪ پیش پرداخت اعتبارات اسنادی	۱۱
	۱۰۰٪ حساب مشترک مشارکت مدنی	۱۲		۱۰۰٪ مانده‌های مطالبه نشده	۱۲
	۱۰۰٪ حساب مشترک مشارکت مدنی	۱۳		۱۰۰٪ چک‌های صادره فروخته شده	۱۳
	۱۰۰٪ حساب مشترک مشارکت مدنی	۱۴		۱۰۰٪ تسهیلات قابل پرداخت تا ده روز	۱۴
	۱۰۰٪ حساب مشترک مشارکت مدنی	۱۵		۱۰۰٪ اعتبارات اعطایی معویب استفاده نشده	۱۵
	مجموع بدهی‌ها				

۳- نسبت بازده دارایی

نسبت بازده دارایی از معیارهای مهم سودآوری بانک به شمار می‌رود و درآمد خالص هر واحد دارایی را نمایان می‌سازد. در واقع این نسبت سود عملیاتی را به کل منابعی که تحت مدیریت بانک قرار دارد مرتبط می‌سازد. این نسبت بهترین نسبت برای ارزیابی مدیریت است. در محاسبه این نسبت ایده‌آل این است که مخرج کسر متوسط مانده‌های روزانه باشد ولی در اکثر کشورها این رقم موجود نیست و لذا معمولاً از سایر متوسط‌ها، مانند متوسط پایان ماه یا متوسط پایان فصل به عنوان جایگزین استفاده می‌شود.

$$\text{نسبت بازده دارایی} = ۱۰۰ \times \frac{\text{مجموع درآمد خالص پس از مالیات}}{\text{متوسط کل دارایی‌ها}}$$

۴- بازده سرمایه

این نسبت نرخ بازده سرمایه‌گذاری و توانایی بالقوه را برای تشکیل سرمایه داخلی ارزیابی می‌نماید. در شرایط تورمی برای این که یک بانک پایه سرمایه‌اش را در شرایط واقعی حفظ نماید حتی به فرض عدم وجود سود این نسبت باید معادل نرخ تورم باشد. برای حمایت از هرگونه رشد واقعی فعالیت تجاری بدون این که کفایت سرمایه تحت فشار قرار گیرد، لازم است که رشد واقعی متناظری برای آن وجود داشته باشد. تحلیل‌گر باید آگاه باشد که ممکن است بازده بالای سرمایه با کفایت سرمایه نسبت عکس داشته باشد. ممکن

است بانکی که با سرمایه ناکافی تشکیل شده و سوددهی ناچیزی دارد و بازدهی بیش از سرمایه بانکی داشته باشد که با سرمایه مناسب تشکیل شده و عملکرد خوبی دارد. چون ذخایر ناکافی برای پوشش زیان ناشی از وام، سرمایه را مبالغه‌آمیز جلوه می‌دهد. چنانچه این ذخایر پوشش زیان ناشی از وام‌های اعطایی را به طور مناسب و مداوم فراهم ننماید. این نسبت می‌تواند به طور قابل توجهی مختل گردد.

$$\text{نسبت بازدهی سرمایه} = \frac{\text{درآمد خالص پس از مالیات}}{\text{متوسط حقوق صاحبان سهام (متوسط سرمایه)}}$$

توضیح این‌که: این معیار نیز یکی از معیارهای مهم سودآوری بانک به شمار می‌رود و بازده سهام‌داران را ارزیابی می‌کند.

۵- معیارهای کارآیی عملیاتی

تعریف پذیرفته جهان شمولی برای این نسبت‌ها وجود ندارد. اصطلاحات تفاوت «نرخ سود پرداختی و سود دریافتی» نسبت خالص سوددهی و هزینه واسطه‌گری، به ویژه خارج از محفل محدود تحلیل‌گران بانکی، کم و بیش با یک مفهوم به کار گرفته می‌شود.

$$۱۰۰ \times \frac{\text{میزان سود ناخالص دریافتی}}{\text{متوسط تسهیلات اعطا شده}} = \text{متوسط نرخ سود دریافتی}$$

$$۱۰۰ \times \frac{\text{میزان سود ناخالص پرداختی}}{\text{متوسط سپرده‌های سرمایه‌گذاری}} = \text{متوسط نرخ سود پرداختی}$$

متوسط نرخ سود پرداختی - متوسط نرخ سود دریافتی = خالص مابه‌التفاوت نرخ سود

توضیح: این نسبت فقط آن دارایی‌ها و بدهی‌هایی را شامل می‌شود که نرخ سود به آنها تعلق می‌گیرد. از این رو تأثیر سپرده‌های دیداری (قرض الحسنه جاری) بدون سود و نیز ذخیره‌های قانونی فاقد بهره‌وری خالص سود دریافت شده را روی سود کلی بانک نشان نمی‌دهد. آنچه در نسبت بالا مفید است این است که اثر نرخ‌های بهره بر سود بانک را جدا نموده و بدین وسیله شناخت بهتری نسبت به منابع سودآوری بانک و نتیجتاً آسیب‌پذیری درآمدهای بانک ارائه می‌نماید.

۶- نسبت خالص سوددهی

$$۱۰۰ \times \frac{\text{هزینه‌های پرداختی بابت سپرده‌ها (سود پرداختی) - درآمد حاصل از اعطای وام (سود دریافتی)}}{\text{متوسط کل دارایی‌ها}}$$

این نسبت درآمدهای اصلی بانک یعنی درآمد حاصل از مابه‌التفاوت درآمدهای حاصله از اعطای تسهیلات و هزینه‌های پرداختی به سپرده‌ها را به صورت درصدی از متوسط کل دارایی‌ها مشخص می‌نماید.

توضیح: در شرایط فعلی با توجه به این که بانک‌ها دولتی هستند و سیاست‌های کلی اعطای تسهیلات و جذب سپرده از سوی شورای پول و اعتبار معین می‌گردد لذا تغییرات چشمگیر در این نرخ با تغییر در سیاست‌های کلی شورای پول و اعتبار توأم خواهد بود.

۷- نسبت سایر درآمدهای عملیاتی به کل دارایی‌ها

این نسبت وابستگی بانک را به سایر درآمدهای آن (غیر از درآمدهای ناشی از اعطای وام) نظیر درآمدهای ناشی از ضمانتنامه‌ها و... نشان می‌دهد. رشد این نسبت می‌تواند نشانه تنوع سالم ارائه خدمات مالی مبتنی بر کارمزد، یا دسترسی ناسالم به درآمدهای سوداگرانه برای جبران کمبودهای موجود در آمد حاصل از مابه‌التفاوت سود که درآمد اصلی بانک است، باشد.

$$\frac{\text{سایر درآمدهای عملیاتی}}{\text{متوسط کل دارایی‌ها}} \times 100$$

۸- نسبت خالص درآمد عملیاتی به کل دارایی‌ها

این نسبت از نظر میزان هزینه‌های عملیاتی غیر بهره‌ای (منظور سود دریافتی از اعطای وام و سود پرداختی بابت جذب سپرده‌ها)، مالیات‌های پرداخت شده و کلیه درآمدها یا ضررهای غیر مترقبه با نسبت بازده دارایی متفاوت است.

سایر درآمدهای عملیاتی + نسبت خالص سوددهی = خالص درآمد عملیاتی

۹- خالص سود عملیاتی

درآمد حاصل از واسطه‌گری می‌تواند به عنوان مابه‌التفاوت بین هزینه تأمین وجوه (جذب سپرده) و بازده دارایی‌های درآمدزا به اضافه کارمزد تعریف گردد. این مابه‌التفاوت عبارت است از هزینه‌ای که نظام بانکی بابت واسطه‌گری بین عرضه‌کنندگان و استفاده‌کنندگان وجوه دریافت می‌کند.

$$\text{خالص سود عملیاتی} = 100 \times \left(\frac{\text{هزینه سود (پرداختی به سپرده‌ها)}}{\text{کل بدهی‌های مربوط به تأمین وجوه}} - \frac{\text{هزینه‌های مربوطه - بازده دارایی‌های درآمدزا}}{\text{کل دارایی‌های مالی}} \right)$$

هزینه‌های واسطه‌گری

یک معیار مفیدتر برای شناخت کارایی یک بانک، تفکیک هزینه‌های غیر بهره‌ای به اجزای تشکیل دهنده آن است. این ارزیابی از طریق اندازه‌گیری نسبت هر یک از هزینه‌های غیر بهره‌ای به متوسط کل دارایی‌ها انجام می‌شود. این هزینه‌ها عبارتند از:

هزینه کارکنان - مزایای کارکنان - سایر هزینه‌های عملیاتی - اجاره ساختمان - مالیات‌های عملیاتی و مجوزها - هزینه استهلاک - سایر هزینه‌های عملیاتی - ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول - خالص اندوخته‌ها - سایر هزینه‌ها - مالیات بر درآمد - تشکیل سرمایه (از محل سود).

(سود، به عنوان پاداش سهامداران و عامل افزایش سرمایه بانک می‌تواند به مفهوم هزینه برای استقراض کنندگان و در نتیجه هزینه واسطه‌گری تلقی گردد و هر چند که از نظر فنی سود را نمی‌شود هزینه تلقی کرد.

سود کل به صورت درصدی از متوسط دارایی کل، معیار ارزیابی کارایی بانک در مقایسه با مؤسسات مشابه در بازار است. در حالی که سود نسبی مقایسه ساختار هزینه بانک‌های مختلف را می‌سازد.

معیارهای کارایی مربوط به کارکنان

به دلیل این که هزینه کارکنان عموماً بیانگر جزء عمده هزینه‌های غیر مرتبط با هزینه ناشی از سود پرداختی به سپرده‌ها می‌باشد. بررسی آن هزینه یا تعداد کارکنان می‌تواند برای ارزیابی کارایی بانک مفید باشد. با این حال، از آنجا که صرفه جویی‌های جاری بانک‌ها از طریق ایجاد محدودیت‌های بیش از حد بر دستمزد کارکنان صورت می‌گیرد. این امر می‌تواند به کاهش کیفیت و انگیزه کارکنان بانک و در نتیجه به کاهش کارایی مؤسسه در بلندمدت منجر گردد. لذا می‌باید در ارزیابی بهره‌وری احتیاط نمود.

۱۰- خالص درآمد به ازای هر کارمند

این نسبت بازده متوسط درآمدی را که هر کارمند ایجاد می‌کند ارزیابی می‌نماید. نکته حائز اهمیت این که، این نسبت به طور قابل ملاحظه‌ای در یک بانک فعال در معاملات عمده که دارای تعداد کارکنان اندک با حقوق‌های بالاست و بانکی که در معاملات جزئی فعالیت دارد و دارای شبکه وسیعی از شعب می‌باشد و سطح دستمزد پرداختی آن به کارکنانش پایین است، متفاوت می‌باشد.

$$\text{خالص درآمد به ازای هر کارمند} = \frac{\text{خالص درآمد پس از کسر مالیات}}{\text{تعداد کل کارکنان}}$$

۱۱- نسبت خالص درآمد به هزینه کارکنان

این نسبت بازده سرمایه‌گذاری را نسبت به هزینه‌های پرسنلی ارزیابی می‌نماید. احتمالاً این معیار مفیدتر از نسبت خالص درآمد به ازای هر کارمند است زیرا امکان مقایسه بانک‌های مختلف (بانک‌های دارای معاملات عمده و خرده، بانک‌های تجاری و بانک‌های تخصصی...) را ممکن می‌سازد. این نسبت به تأثیر سیاست و تقسیمات پرسنلی بدون توجه به تأکید این سیاست‌ها بر کارکنان دفتری با دستمزد و تخصصی پایین یا متخصص ماهر و با دستمزد بالا، توجه دارد.

$$\text{نسبت خالص درآمد به هزینه کارکنان} = \frac{\text{خالص درآمد پس از کسر مالیات}}{\text{هزینه کارکنان}}$$

۱۲- نسبت تسهیلات به سپرده‌ها

این نسبت حدی را که بانک قادر است برای حمایت از عملیات وام‌دهی، سپرده‌ها را تجهیز نماید و همچنین حدی را که می‌تواند از محل این سپرده‌ها وام دهد ارزیابی می‌نماید. نسبت بالاتر به طور سنتی با عنصر ریسک بالاتر همراه بوده است. چون بالا بودن این نسبت حاکی از نقدینگی پایین‌تر، روند نامطلوب اقتصادی یا نتیجه برداشت سپرده‌ها است. پایین بودن نسبت بیانگر عدم وجود موقعیت‌های کافی برای وام‌دهی یا عدم تمایل به اعطای وام به دلیل ریسک‌های موجود در وام‌دهی است. در نهایت سطح مناسب برای این نسبت از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. ولی به طور متوسط مقدار ۸۰-۷۰ درصد می‌تواند بیانگر توازن معقول این نسبت باشد.

$$\text{نسبت تسهیلات به سپرده‌ها} = \frac{\text{مجموع وام‌ها و اعتبارات}}{\text{مجموع سپرده‌ها}}$$

توضیح این که در این نسبت؛

مجموع سپرده‌ها شامل: قرض الحسنه جاری، قرض الحسنه پس انداز، سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت و سپرده سرمایه گذاری بلندمدت می باشد.

مجموع وام‌ها و اعتبارات: شامل کلیه تسهیلات پرداختی در قالب عقود اسلامی نظیر، فروش اقساطی، اموال فروش اقساطی، مضاربه، مشارکت مدنی، جعاله، مزارعه و... می باشد.

۱۳- نسبت ذخایر مطالبات معوق به کل مطالبات

این نسبت نشان می دهد که چه میزان از کل تسهیلات پرداخت شده، پرداخت آن به تعویق افتاده است. براساس تجربیات گذشته و با توجه به وضعیت فعلی اقتصاد میزان مطلوب این نسبت ۱/۵ تا ۲ درصد می باشد. بانک جهانی میزان مطلوب این نسبت را ۱/۲۵ درصد تعیین نموده است.

نسبت ذخایر مطالبات معوق به کل مطالبات = $\frac{\text{مانده مطالبات معوق}}{\text{کل مطالبات}}$

توضیح این که:

در این نسبت مطالبات معوق خود شامل حساب‌های ذیل می باشد.

- مطالبات سررسید گذشته تسهیلات؛

- مطالبات معوق تبصره‌ای بخش خصوصی؛

- مطالبات معوق قدیم بخش خصوصی؛

- مطالبات سررسید گذشته وام‌ها؛

- مطالبات معوق؛

- مطالبات معوق دولتی؛

- حساب اقساط سررسید گذشته فروش اقساطی؛

- حساب اقساط سررسید گذشته قرض الحسنه؛

- حساب اقساط سررسید گذشته جعاله.

۱۴- نسبت سپرده‌های غیردیداری مؤثر به سپرده‌های دیداری مؤثر

این نسبت در واقع وضعیت منابع قابل اتکارا در مقابل منابع زودگذر در بین سپرده‌های مؤثر نشان می دهد. مقدار مطلوب این نسبت در شرایط تورمی می باید بزرگتر یا حداقل یک باشد. از آن جایی که در شرایطی که در اقتصاد تورم بالا با اعداد دو رقمی وجود دارد و با گذشت زمانی ارزش واقعی سپرده‌ها به شدت کاهش می یابد لذا در هنگام بازپرداخت سپرده‌های بلندمدت، بانک ارزش واقعی به مراتب کمتری نسبت به زمان اولیه سپرده گذاری به سپرده گذران بر می گرداند.

سپرده‌های غیردیداری مؤثر

توضیح این که: تفکیک سپرده‌های به دیداری و غیردیداری براساس سرعت در نقد شوندگی می باشد. به طوری که سپرده‌های دیداری شامل قرض الحسنه جاری و پس انداز عندالمطالبه هستند و با مراجعه مشتری به بانک قابل وصول هستند. در صورتی که سپرده‌های مدت دار، احتیاج به زمان بیشترین برای وصول دارند.

سپرده‌های دیداری مؤثر شامل: قرض الحسنه جاری حساب‌های دولتی، جاری بانک‌ها نزد همدیگر،

جاری اشخاص، جاری اشخاص بارز، قرض الحسنه پس انداز و قرض الحسنه، پس انداز به ارز می باشد. سپرده های غیر دیداری مؤثر شامل: سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت (دولتی، اشخاص، اشخاص بارز) و سپرده سرمایه گذاری بلندمدت (اشخاص، دولتی، بانک ها، اشخاص بارز) می باشد.

۱۵- نسبت چک های فروش رفته به پرداختی های صندوق

این نسبت بدین صورت محاسبه می گردد که، در یک دوره مالی چه بخشی از پرداخت های صندوق را بانک به وسیله چک های نظیر چک تضمینی، رفاه چک، سپه چک و... چک بین بانکی به انجام رسانده اند. به طور مثال، بانک سپه به جای پرداخت صد واحد پول به مشتری در یک دوره مالی، هشتاد واحد پول نقد و بیست واحد سپه چک پرداخت می کند.

در واقع این نسبت نشان می دهد که یک بانک تا چه حد از منابع بسیار ارزان قیمت استفاده نموده است و هر چه قدر میزان این نسبت بالاتر باشد برای یک بانک بهتر خواهد بود. لازم به ذکر است که حداکثر مقدار این نسبت برابر یک می باشد. که البته برای هیچ کدام از بانک ها قابل حصول نیست.

چک های فروش رفته

کل پرداخت صندوق در یک دوره

توضیح: چک های فروش رفته شامل چک های تضمینی هر بانک و چک های رمزار می باشد.

۱۶- سهم بخش دولتی از تسهیلات اعطایی

این نسبت میزان سهم بخش دولتی را از کل تسهیلات پرداختی بانک نمایان می سازد. به همین صورت می توان سهم بخش خصوصی را نیز از کل تسهیلات پرداخت شده بانک مشخص نمود و در نهایت با آنچه در لوایح بودجه یا توسط شورای پول و اعتبار تعیین می شود مطابقت داد.

مانده کل تسهیلات اعطایی به بخش دولتی مربوط به هر بانک

مانده کل تسهیلات اعطایی در بانک

مانده کل تسهیلات اعطایی به بخش خصوصی مربوط به هر بانک

مانده کل تسهیلات اعطایی در بانک

۱۷- سهم بخش های اقتصادی از تسهیلات اعطایی

با تقسیم کردن میزان اعتبارات اعطایی به بخش های مختلف اقتصادی نظیر بازرگانی، ساختمان، صنعت و معدن و... به کل اعتبارات اعطایی هر بانک می توان سهم هر بخش اقتصادی از کل تسهیلات اعطا شده در هر بانک را مشخص نمود. با به دست آورده این نسبت ها می توان آنها را با درصدهای تعیین شده در هر سال

توسط شورای پول و اعتبار مطابقت داد و انحراف از برنامه را مشاهده نمود

تسهیلات اعطایی به بخش صنعت و معدن و تسهیلات اعطایی به بخش ساختمان

کل تسهیلات

کل تسهیلات

۱۸- نسبت های فراوان دیگری را نیز می توان برشمرد که در مقام مقایسه بانک ها با همدیگر می تواند

مورد استفاده قرار گیرد

- میزان جذب منابع هر کارمند؛
- میزان اعطای تسهیلات به ازای هر نفر از کارمندان؛
- متوسط موجودی یک حساب جاری؛
- متوسط موجودی یک حساب قرض الحسنه پس انداز؛
- متوسط موجودی یک حساب مدت دار؛
- نسبت نقدینگی بانک به کل نقدینگی سیستم بانکی؛
- نسبت ارزش دارایی های ثابت به سرمایه و اندوخته ها که مطابق قوانین پولی و بانکی کشور می باید حداکثر ۳۰ درصد باشد در صورتی که تقریباً اکثر بانک ها این موضوع را نادیده گرفته اند.

برخی از مشکلات بانک ها و کارایی بانک ها

شاید بتوان گفت بزرگترین مشکل بانک ها دولتی بوده آنهاست، مشاهده می کنیم که در سال های پس از انقلاب اسلامی، نظام بانکی کشور در اختیار دولت بوده است. به تعبیری دیگر سیاست های پولی همواره تابع سیاست های مالی بوده است. در اکثر سال های پس از انقلاب بخش عظیمی از کسری بودجه دولت را نظام بانکی تهیه می کرده است به طوری که در بعضی از سال ها بیش از ۹۰ درصد کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی تهیه می شده است و همین عمل موجب افزایش پایه پولی و به تبع آن حجم نقدینگی و افزایش نرخ تورم گردیده است.

برخی از مشکلات و مسائل مربوط به کارایی بانک ها به شرح ذیل می باشد:

- ۱- ارزش افزوده مؤسسات پولی و بانکی کشور کمترین افزایش را نسبت به سایر بخش های اقتصادی کشور داشته است. که مهم ترین علت این افزایش اندک، دولتی بودن بانک ها بوده است. تحقیقات نشان می دهد طی ۱۵ سال گذشته ارزش افزوده واقعی اقتصاد ملی ۱/۷ برابر شده است، در حالی که طی همین مدت ارزش افزوده مؤسسات پولی و مالی به نصف تقلیل یافته است.
- ۲- وجود تسهیلات تکلیفی، به بانک ها اجازه نمی دهد که تمامی منابع خود را در طرح هایی که سود بیشتری داشته و از توجیه اقتصادی برخوردار می باشند، صرف نماید.
- ۳- تعیین سقف سود تسهیلات بانکی به بخش های مختلف اقتصادی از سوی شورای پول و اعتبار و همچنین تعیین سقف سود پرداختی به سپرده ها از سوی شورای پول و اعتبار، به طوری که سود تسهیلات تکلیفی بین ۳ تا ۶ درصد در سال محدود می شود.
- ۴- غیر واقعی بودن سود سپرده ها، یکی از موانع جدی در جذب سرمایه های داخلی می باشد.
- ۵- در شرایط فعلی بانک ها به دلیل دولتی بودن، یکی از ابزارهای کنترل تورم در دست دولت شده اند و همین امر باعث شده در حال حاضر سود بانک ها نسبت به تورم سالیانه منفی باشد.
- ۶- تعیین سقف اعتبارات پرداختی به بخش های مختلف اقتصادی از سوی شورای پول و اعتبار نیز بر تخصیص بهینه منابع بانک اثر منفی خواهد گذاشت.
- ۷- اعطای تسهیلات بانکی به طرح ها و پروژه های بلندمدت: طرح های اقتصادی و ملی که از نظر زمان اجرا و بهره برداری از آنها به مدت زمان بالایی نیاز دارد می بایست سرمایه لازم آنها از طریق بازارهای مالی تأمین شود.

- ۸- سیستم حقوق و دستمزد فعلی بانک‌ها، انگیزه چندانی برای فعالیت پرسنل بانک ایجاد نمی‌کند.
- ۹- مدیریت بانک‌ها از اهرم‌های مناسبی برای اداره امور بانک‌ها برخوردار نیستند چون همه بانک‌ها از یک قانون واحد و زیر نظر شورای عالی بانک‌ها عمل می‌کنند.